

## با تکبیر سنگر دشمن را به تسخیر در آوردیم

اکبر رحیمی

از رزمندگان تیپ نجف اشرف

### خامنه

بعد از ایپایان مرحله دوم عملیات بیت المقدس، با توجه به اینکه در مرحله دوم هنوز شلمچه و خرمشهر در دست دشمن بود، قرار شد که ما با یک عملیات سریع و قاطع، شلمچه و خرمشهر را در مرحله سوم از دست دشمن آزاد کنیم، در منطقه عملیاتی تیپ نجف اشرف به فرماندهی شهید حاج احمد کاظمی، قرار شد که از میدان مینی به عمق ۳ کیلومتر و طول ۲۰ کیلومتر با موانع ایجاد شده توسط دشمن عبور کنیم و در مناطق دیگر نیز نیروهای سایر تیپ‌ها عمل نمایند. بناشد در این مرحله از تیپ نجف اشرف یک گردان که فرماندهی آن به عهده شهید اسدالله رضانی که بعدا در عملیات رمضان به شهادت رسید و ۳ گردان از برادران ترک زبان آذری وارد عمل شوند. بعد از نماز مغرب و عشا کمی صبر کردیم و بعد از تاریک شدن مطلق هوا گردان شهید رضانی از جلو حرکت کرد و سه گردان برادران آذری پشت سر گردان تیپ نجف اشرف به حرکت در آمدند. بعد از حرکت سکوت عجیبی بر منطقه حاکم بود، فقط گاهی اوقات پیام‌هایی به ما می‌رسید که گفتن ذکر خاصی را توصیه می‌کردند تا این که به اول میدان مین رسیدیم. قبل از ما تخریبچی‌ها حرکت کردند و کار خنثی‌کردن مین‌ها را که شب‌های قبل شروع کرده بودند ادامه دادند. گاهی اوقات خمپاره‌های منور منطقه را روشن می‌کرد که مجبور بودیم در میدان مین درازکش شویم تا آن منور خاموش شود و دشمن از حضور ما در آنجامطلع نشود. تقریباً تا نزدیکی سنگرهای کمین دشمن براحتی توانستیم پیش برویم و چند سنگر کمین نیز براحتی خاموش شد تا اینکه چندین متر مانده به دشمن، متوجه ما شده و تیربارها و دوشکاهای کالیبر ۷۵ و حتی تیربارهای شلیکا ۴ لول شروع به تیراندازی شدید کردند، به طوری که گلوله‌های رسام آنان که از بغل ما می‌گذشتند براحتی دیده می‌شد، ولی به حول و قوه الهی بدون اینکه حتی یکی از برادران به عقب برگردد و یا حتی به عقب نگاه کند بسرعت از میدان مین در حال عبور بودیم و حتی اگر برادری روی مین رفته یا توسط تیربارها زخمی می‌شد بدون آه و ناله، ذکر خدا می‌گفت و ما را به رفتن به جلو تشویق می‌کرد تا اینکه بالاخره سریع به خاکریز اول دشمن رسیدیم و در حال عبور از آن چند شهیدی هم آنجا دادیم ولی نفوذ به مواضع دشمن را ادامه دادیم. پاکسازی خاکریز اول را به عهده نیروهای بعدی گذاشتیم و راه را ادامه دادیم تا با فاصله کمی به نخلستانی رسیدیم و در آن شروع به آتش زدن لاستیک‌هایی که آنجا بود کردیم و با این کار ترس زیادی در دل دشمن انداختیم. مقداری نیز به این طرف و آن طرف رفتیم و تا صبح به حرکت خود ادامه دادیم تا اینکه به یک پل که فرو ریخته بود و فقط پایه‌هایش سالم مانده بود رسیدیم. چند مرتبه خواستیم از بغل پایه‌های پل عبور کنیم ولی با شدت رگبارها و آتش دشمن روبه‌رو شدیم، چند نفر نیز آنجا به شهادت رسیدند. تا اینکه متوجه شدیم دشمن در بغل و پشت این



پل یک عدد خاکریز دوجداره مخفی ایجاد کرده است. برادران با تکبیرهای بلند و ایجاد آتش با سلاح‌های خود به طرف این خاکریز دوجداره حمله کردند و تمام نیروهای داخل آن یا کشته شده و یا به اسارت درآمدند. از آنجا به بعد بود که نیروهای دشمن شروع به تسلیم شدن کردند. فقط در ساختمان‌هایی که معروف به کمرک خرمشهر بود درگیری ادامه داشت تا این که آنجا هم سقوط کرد. این کانال دوجداره به اورندرد می‌رسید، همان موقع بالگرد عراقی برای اینکه فرماندهان عراقی را بتواند از خرمشهر نجات دهد آمد ولی با شلیک برادران مجبور به فرار شد تا اینکه برادران خود را به اورند رساندند و تا نزدیکی ظهر عراقی‌هایی که تسلیم شده بودند از این طرف مثل کاروان عبور می‌کردند و برادران رزمنده از آنها پذیرایی می‌کردند. اینگونه بود که خرمشهر آزاد شد و امام(ره) با نگاه عرفانی خود فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد». در حال مأموریت ما بعد از ظهر به پایان رسید و به پایگاه خود برگشتیم. در برگشت وقتی از شلمچه برمی‌گشتیم، تیرهای آهن، نخلستان‌های سوخته و تویوتاهای سوخته شده را دیدیم که برای جلوگیری از پیاده شدن چترپاز به‌صورت عمودی در زمین کاشته بودند. در پایان یادی می‌کنم از تمامی شهدا، بخصوص شهدای این عملیات و بویژه سه شهیدی که تازه از دواج کرده بودند و در این عملیات به شهادت رسیدند؛ شهید سعیدالله عسگری، معاون گردان، شهید نوروز علی کریمی و شهید علی محمدی.

نیروهای مسلح و عزم آنان برای مقابله جدی با دشمن، مردم با اشتیاق فراوان به جبهه‌های جنگ روی آوردند تا با اجرای این استراتژی مدون عبارت بود کشور رقم زنند.

برای تبیین استراتژی جدید، جلسه‌های متعددی با حضور فرماندهان جدید ارتش ومسئولان سپاه برگزار شد. اهداف اجرایی این استراتژی مدون عبارت بود از: تعیین اهداف یلکنای برای رسیدن به هدف نهایی که دفع تجاوز دشمن و آزادسازی همه سرزمین‌های اشغال شده از جنگال دشمن و انهدام ماشین جنگی و سازمان ارتش عراق بود. برای رسیدن به اهداف یاد شده، این موضوعات اساسی مد نظر قرار گرفت تا با مشارکت و انسجام هر چه بیشتر نیروهای مردمی، سپاه و ارتش انجام گیرد؛ طرح‌ریزی عملیات‌هایی به منظور انهدام سازمان جنگی ارتش بعثی و کاهش توان نظامی دشمن و آزادسازی بخش‌هایی از سرزمین‌های اشغالی و آزادسازی نیروهای خودی از خطوط پدافندی طولانی و امکان ایجاد تمرکز قوا برای اجرای عملیات بعدی در مناطق اشغال شده کشور و کسب آمادگی لازم برای طرح‌ریزی حمله تعیین‌کننده نهایی.

■ **عملیات پی‌درپی استراتژی جنگی ایران**

برای طرح‌ریزی این استراتژی در مرحله

پس از مطرح شدن مباحث گوناگون میان فرماندهان سپاه و ارتش، ظرف مدت پنج ماه عملیات طریق القدس و فتح المبین به‌عنوان اولین و دومین گام از سلسله عملیات‌های کربلا در منطقه دشت آزادگان با هدف آزادسازی شهر بستان و بیش از ۷۰ روستای آن منطقه و همچنین سرزمین‌های غرب دزفول، اندیمشک، شوش و کرخه طراحی و اجرا شد

واقع، در این زمان، اجماع فکری کامل در بین تصمیم‌گیرندگان نظامی و سیاسی کشور برای بیرون راندن ارتش متجاوز پدید آمد؛ هدفی که برای تأمین آن، از عوامل مؤثری استفاده شد. مهم‌ترین تحول نظامی ایران در آغاز سال دوم جنگ، موفقیت در عملیات ثامن‌الائمه بود که به شکست حصر آبادان انجامید. بنابراین، تحرکی در عرصه سیاست خارجی کشور پدید آمد. این تحرک پس از پیروزی ایران در عملیات شکستن حصر آبادان نیرومندتر و گسترده‌تر شد و در دولت بعدی نیز ادامه یافت.

این عملیات زمینه لازم را برای شکل‌گیری و تدوین استراتژی جنگ با هدف آزادسازی مناطق اشغالی فراهم کرد. این استراتژی که از رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) الهام گرفته بود، با بسترسازی هم‌زمان سیاستمداران و نظامی‌ها در مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و به‌دنبال اجرای موفقیت‌آمیز عملیات محدود با شیوه و سبک جدید، آغاز شد و به نتیجه مطلوب رسید، زیرا پس از عملیات ثامن‌الائمه(ع) استراتژی نظامی و عملیاتی و نیز تاکتیک‌های نظامی ایران از دگرگون شد. در این زمان، تحولات مثبت سیاسی بر سیر تحولات نظامی اثر گذاشت، آثار تحولات خوشایند سیاسی- نظامی بتدریج در حوزه نظامی نمایان شد. سپاه پاسداران از یک سو با افزایش حضور نیروهای مردمی، تلاش جدیدی

دربرداشت، درصدد برآمد با تشدید بحران‌های داخلی به موفقیت‌های سیاسی دست یابد که با این شیوه هم شکست در جبهه‌های جنگ را پوشش دهد، هم قدرت خود را در داخل تثبیت کند. در شش ماه اول سال ۱۳۶۰، حوادث ناگوار بسیاری در کشور به وقوع پیوست که نیروهای مسلح را نیز تحت تأثیر قرار داد. در همین حال با وجود تشدید بحران داخلی که نتیجه‌اش، ناامنی عقبه‌های استراتژیک جنگ بود و وقت و توان شمار فراوانی از نیروهای سپاه و بسیج را معطوف خود می‌کرد، رهبر نظام بر اصل ادامه جنگ تأکید می‌کردند. امام خمینی با اولویت‌بندی مصالح کشور، مهم‌ترین موضوع کشور را جنگ در مقابل دشمن اشغال‌گر میهن اسلامی ایران می‌دانستند. پس از جبهه‌گیری آشکار رئیس‌جمهوری در برابر انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی آخرین اتمام حجت‌شان را در ۱۹ خرداد به او اعلام کردند و مقاومت در برابر قانون و مصوبات مجلس را دیکتاتوری نامیدند و به صراحت به تشنج آفرینان هشدار دادند. هشدارهای صریح حضرت امام خمینی، تأثیری در افکار و مواضع بنی‌صدر نگذاشت و وی برخلاف انتظار، مردم را به مقاومت و پایداری در برابر نظام تشویق کرد. روز بعد (۲۰ خرداد ۱۳۶۰) امام خمینی با استناد به بندهای ۱۱۰ قانون اساسی مبنی بر نصب و عزل فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای مسلح

جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی کل قوا. که از وظایف و اختیارات رهبری انقلاب است. با صدور حکمی، در یک جمله بنی‌صدر را از فرماندهی نیروهای مسلح کشور عزل کرد. مجلس شورای اسلامی نیز در اواخر خرداد سال ۱۳۶۰ وی را به دلیل عدم کفایت سیاسی از سمت ریاست‌جمهوری اسلامی خلع کرد.

هنگامی که بنی‌صدر از مقام ریاست‌جمهوری برکنار شد، برنامه مخالفان خط امام که هدف‌شان انحلال یا ادغام نهادهای انقلابی بویژه سپاه بود و در رأس حاکمیت قرار داشتند، مختل شد و در زمانی که کشور با مشکلات امنیتی بسیاری مواجه بود و سازمان یا وزارتخانه‌ای مشخص و مقتدر در امور دفاعی و امنیتی نداشت، سپاه پاسداران بنا بر ضرورت و به منظور تحقق فرمان حضرت امام خمینی برای برقراری امنیت و دفاع از کشور وارد عمل شد. به هر رو، عملیات فرمانده کل قوا، خمینی روح خدا در ۱۲ خرداد ۱۳۶۰ با هجوم نیروهای خودی از سه محور به قوای دشمن با موفقیت انجام شد. پیروزی در این عملیات با تاکتیک جدید و بی‌سابقه آن، تصورات موجود مبنی بر به‌بن‌بست همه‌جانبه عراق، اوضاع سیاسی کشور بشدت متشنج و بحرانی شد و ناگزیر نیروهای مسلح را تحت تأثیر قرار داد. در چنین اوضاعی، همه در انتظار اقدامات ارتش و فرمانده کل قوای مسلح، یعنی ابوالحسن بنی‌صدر بودند. بنی‌صدر تلاش اصلی خود را به کسب پیروزی در جنگ معطوف کرد تا موقعیت سیاسی خود را بهبود بخشد. وی برای رسیدن به قدرت مطلق در کشور، موانعی استوار در برابر خود می‌دید: امام، مجلس، دولت و نیروهای انقلابی. به همین دلیل با وجود کوشش‌های بسیار مؤثر نیروهای انقلابی و مردمی در جنگ، وی از بکارگیری آنان امتناع می‌کرد؛ زیرا اهمیت یافتن حضور نیروهای مردمی در میدان‌های نبرد، با تبلیغات سوء وی علیه آنان مبنی بر اینکه کارایی لازم را در یک جنگ بزرگ ندارند، منافات داشت. وی می‌پنداشت در صورت کسب پیروزی نظامی، با قدرتی که به دست خواهد آورد، نیروهای خط امام را از ساختار حکومت حذف می‌کند و در صورت ناکامی نیز با شانه خالی کردن از مسئولیت، به طور طبیعی شکست را متوجه ارتش می‌کند.

■ **طراحی عملیات زنجیره‌ای از سال دوم جنگ**

در سال دوم جنگ جبهه متحد مخالف نظام‌ها چنان‌بر دشمنی و خشونت خود می‌افزود. اواخر شهریور ۱۳۶۰، مخالفان با اقداماتی نظیر تظاهرات گسترده با حضور همه نیروهای اجرایی و عملیاتی و هواداران تشکیلاتی، مرحله جدیدی از فعالیت‌های خصمانه‌شان را در آستانه انتخابات دوره سوم ریاست‌جمهوری آغاز کردند، اما با وجود تلاش فراوان نتوانستند بر برگزاری این وقعه‌ای ایجا کنند. بنابراین شرایط سیاسی در مدار انتخاب رئیس‌قوه مجریه و تشکیل دولت جدید قرار گرفت. به‌دنبال مهیا شدن شرایط سیاسی کشور، بستر و زمینه لازم به‌منظور پیشبرد اهداف و اقدامات نظامی نیز فراهم شد. در همین خصوص برای ادامه‌کار نظامیان با هدف مقابله با دشمن لازم بود استراتژی مشخصی برای جنگ تعیین شود که طراحی عملیات، تهیه مقدمات و سایر امور بر آن اساس انجام شود. فرماندهان نیروهای مسلح ایران در سال دوم جنگ به این نتیجه رسیدند که باید استراتژی جنگ تعیین شود. این مقطع، یکی از درخشان‌ترین دوره‌های جنگ است. در

“

سید صادقی



صحنه تحولات خارجی، داخلی و نیروهای مسلح ایران از آغاز هجوم دشمن تا عملیات بیت المقدس

# فتح خرمشهر لحظه تحویل سال در سرنوشت جنگ

امیر رزاق زاده

راوی و پژوهشگر جنگ

جنگ عراق با ایران تنها مخاصمه دوران جنگ سرد بود که هیچ یک از دو ابر قدرت آن را اقدامی علیه خود در عرصه جهانی نمی‌پنداشت. از نظر نظام دو قطبی جهان، انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت دینی و اسلامی‌اش نظام حکومتی نامتعارفی بود که با اصول حاکم بر آن نظام دو قطبی سازگاری نداشت و در صورت قدرت یافتن، قوانین ظالمانه جهان را تغییر می‌داد. بازیگران مهم نظام بین‌الملل، بقای این نیروی دینی و مردمی را به زیان خودشان می‌دانستند و درصدد بودند به هر روشی مانع رشد و موفقیت آن شوند. بنابراین، نظام بین‌الملل و حکومت بعثی صدام به تعامل و همکاری با یکدیگر پرداختند و با همسو کردن اهداف‌شان در بکارگیری ابزارها و راهبردها از یکدیگر پشتیبانی می‌کردند. شکست جمهوری اسلامی ایران برای نظام بین‌الملل آرامش خاطر در حفظ وضع موجود و مشروعیت قوانین حاکم بر آن و برای عراق تأمین اهداف سرزمینی در کنار اهداف غیرمادی نظیر موقعیت برتر در منطقه و رهبری جهان عرب و آراضی جاه‌طلبی‌های صدام را در پی داشت. در عین حال، دو ابر قدرت منافع خود را در تقویت عراق و شکست یا تضعیف انقلاب اسلامی ایران می‌دیدند. در چنین اوضاعی، ارتش عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با حمله‌ای برقی آسا، یورش به استان‌های غربی ایران بویژه خوزستان را با اهداف از پیش تعیین‌شده آغاز کرد. جنگ ایران و عراق از نظر سیر تحولات و وقایعی که در دوره زمانی مشخص رخ می‌داد، تا هانگام آزادسازی خرمشهر به چند مقطع تقسیم می‌شد. مقطع نخست، دوره زمینه‌سازی عراق برای جنگ؛ مقطع دوم، یک سال نخست جنگ و پیشروی نیروهای عراقی و سپس زمینگیر شدن‌شان و ناکامی ارتش ایران در آزادسازی مناطق اشغالی. مقطع سوم، پس از عزل و قرار بنی‌صدر به‌طور مشخص، محدوده زمانی خرداد تا مهر ۱۳۶۰ و از آن پس تا سوم خرداد ۱۳۶۱ را شامل می‌شود.

■ **مقاومت، نخستین استراتژی کشور در برابر تجاوز**

توصیه‌های امام خمینی (ره) درباره ضرورت ایستادگی مردم و نیروهای مسلح در مقابل هجوم دشمن در روزهای آغازین جنگ، سبب شد تا نیروهای سپاهی و بسیجی، مردم بومی شهرها و مناطقی که به آنها تجاوز شده بود و روحانیان مبارزی که حضور و پشتیبانی آنها گرمای بیش‌تری به جبهه‌ها می‌بخشید، به میدان‌های نبرد بشتابند، اما در این خصوص مدافعان با کمبودها و مشکلات بسیاری مواجه بودند. از مهم‌ترین کمبودهای میدان‌های نبرد، نیاز به فرمانده نظامی واحد، متعهد و کارآمدی بود که بتواند با سازماندهی و بکارگیری همه منابع، نیروها و امکانات موجود و اتخاذ استراتژی نظامی مناسب، عملیات‌های مؤثری را طرح‌ریزی و اجرا کند.

در پاییز و زمستان ۱۳۵۹، با اینکه ایران در مقابل تجاوز همه‌جانبه عراق، استراتژی دفاعی را اتخاذ کرده بود، فضای سیاسی کشور با تشنجات و درگیری‌های سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و دفتر بنی‌صدر و سایر گروه‌های مؤتلف وی، بشدت بحرانی شده بود. وقوع حوادث مشکوک در بسیاری مناطق کشور، افزایش هیجان‌ها و دشمنی‌ها را در همه سطوح و اقشار جامعه برانگیخت. اتخاذ سیاست‌های سبزه‌گراییانه، ناهماهنگ و مقابله‌جویانه بنی‌صدر رئیس‌جمهوری و فرمانده کل قوا، در برابر امام خمینی (ره) و سیاست‌های نظام، از ابتدای جنگ تشتت و شکاف در اداره امور کشور پدید آورد و پدیده‌ای بود که بر مقاومت مردم و نیروهای مسلح در جبهه‌های جنگ تأثیر منفی می‌گذاشت. وجود اختلاف و تفرقه از مرحله تصمیم‌گیری تا مرحله‌های اجرایی در امور سیاسی،